

اقتباس از ولتر شبکه

<http://www.voltairenet.org/article189226.html>

پاور و سانشتاین آرمان های بزرگ و بزهکاری مرگبار

## چهره پنهان در دولت اوباما

بوسیله ی تی یری میسان

دولت ایالات متحده عمیقاً به جناح های مختلف تقسیم شده و در عین حال به ندرت افرادی پیدا می شوند که از بارک اوباما تبعیت کنند، و به همین علت رئیس جمهور وقت بسیاری صرف حل مسائل مرتبط به اختلاف نظرهای گروهی می کند و در نتیجه کمتر به تحمیل دیدگاه های خودش ناائل می آید. اوباما پس از حذف دار و دسته پترائوس- کلینتون، کشف کرد که فلتن Feltman و پاور Power توطئه خودشان را به پیش می برند. تی یری میسان در اینجا کارنامه حرفه ای سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد سامانتا پاور Samantha Power و شوهرش کاس سانشتاین Cass Sunstein استاد حقوق و نظریه پرداز نظریه دیکتاتور ملایم را مورد بررسی قرار می دهد.



چگونه می توانیم یک دیکتاتور را در دستکش مخملی قالب کنیم. رئیس جمهور اوباما با دوستش «پدرخوانده لیبرال» کاس سانشتاین و همسر او «ایدالیست ماکیاولی» سامانتا پاور گفتگو می کند.

منتخب نمایندگی دائمی ایالات متحده در شورای امنیت در سال 2013، خانم سفیر سامانتا پاور، رهبر «شاهین های لیبرال» و به نوعی نماینده ای بارز برای «نئو محافظه کاران» در راستای گسترش مداخله جوئی های «امپراتوری آمریکا» است. طی سخنرانی تأیید صلاحیت توسط سنا، او با فریاد

گفت : « این کشور بزرگترین کشور روی زمین است. من هرگز بخاطر آمریکا طلب بخشایش نمی کنم ! » [1].

### دوران جوانی سامانتا پاور

متولد سال 1970 در انگلستان و بزرگ شده ایرلند است، در سن 9 سالگی همراه مادرش که پدر پیانیست او را ترک کرده بود تا با یک پزشک ثروتمندتر دوباره ازدواج کند به ایالات متحده مهاجرت می کنند. پس از تحصیلات درخشان در رشته حقوق از دانشگاه ییل Yale او به عنوان روزنامه نگار ورزشی در سی ان ان استخدام شد، شبکه اطلاعات بین المللی که گروه نگارشی آن اعضای چهارمین گروه عملیات روانی «فورت براگ» Fort Bragg [2] را در خود جای داده بود (فورت براگ در کارولینای شمالی یک پایگاه نظامی ایالات متحده است که چندین یگان نیروهای عملیات ویژه و لشکر 82 هوابرد در آن مستقر می باشند).

سامانتا پاور به Carnegie Endowment for International Peace بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی به عنوان معاون مورتون آبراموویچ Morton Abramowitz می پیوندد، علاوه بر این او مدیریت بنیاد ملی برای دموکراسی National Endowment for Democracy را نیز به عهده داشت که هم طراز سازمان سیا است.

طی جنگ بوسنی- هرزگوین برای Boston Globe, The Economist, New Republic، و U.S. News and World Report به عنوان گزارشگر کار می کند. در اینجا با ریچارد هولبروک Richard Holbrooke آشنا می شود که از این پس کارشناسی و راهنمایی او را به عهده می گیرد. در پایان جنگی که ایالات متحده برای تجزیه یوگوسلاوی راه انداخته بود، هولبروک استقلال بوسنی و هرزگوین را به ریاست جمهوری علی عزت بیگوویچ سازماندهی کرد.

سامانتا پاور نمی توانست آگاه نباشد که پیرامون بیگوویچ سه مشاور حلقه زده اند : ریچارد پرل Richard Perle به حساب دیپلماسی نئو محافظه کاران ایالات متحده، برنارد هانری لوی Bernard-Henri Lévy برای ارتباطات لابی گرای فرانسوی، و برای مسائل نظامی اسامه بن لادن اسلامگرای سعودی [3].

و چون که فعالیت رسانه ای برای او کافی نبود، سامانتا پاور تحصیلاتش را در مدرسه کندی دولتی را از سر می گیرد و در آنجا در سال 1998 Carr Center for Human Rights Policy را ایجاد می کند. باید دانست که از دیدگاه سامانتا پاور «حقوق بشر» به مفهوم انگلوساکسون مطرح می باشد یعنی حفاظت از بشریت در مقابل انحرافات قدرت های دولتی. به عنوان ابر قدرت، امپراتوری باید دارای یک سیاست حقوق بشری باشد و برای تحقق چنین امری نیز باید کارمندان عالی رتبه ای را متشکل سازد.

از دیدگاه فرهنگی چنین بینشی در مقابل طرز تلقی کشورهای لاتین قرار می گیرد که بر عکس از «حقوق بشر و شهروند» حرف می زنند. از دیدگاه آنها مسئله به شکل محدود ساختن قدرت دولت مطرح نمی گردد، بلکه می بایستی قانونیت آن را زیر علامت سؤال برد، در نتیجه نمی توانیم از

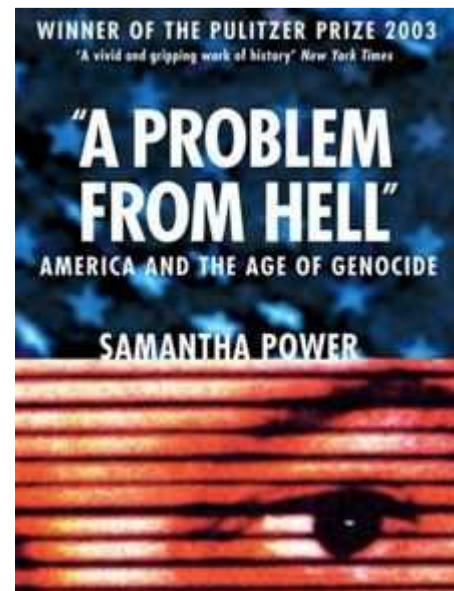
«سیاست حقوق بشر» حرف بز نیم، به این علت که حقوق بشر، به معنای مداخله مردم در سیاست است.

مرکز Carr برای سیاست حقوق بشر توسط بنیانگذار قدیمی جرج کار Gregory C. Carr و بنیاد لبنانی- سعودی رفیق حریری تأمین مالی شد.

در سال 2001 خانم استاد سامانتا پاور به عنوان مشاور در هیئت بین المللی در مداخلات و حاکمیت دولت ها که توسط کانادا ایجاد شده بود شرکت کرد. و این آغاز همان اصطلاح «مسئولیت حفاظتی» است.

کارشناسان این نظریه را مطرح می کنند که برای پیشگیری از کشتار، مثل وضعیتی که در سربرنیتسا یا رواندا پیش آمد، در صورتی که دولتی وجود نداشته باشد، شورای امنیت باید مداخله کند.

سال بعد، سامانتا پاور شاهکار خود را منتشر کرد: معضلی برخاسته از جهنم، آمریکا و قرن نسل کشی



(A problem from Hell : America and the Age of Genocide). این کتاب که خیلی پیچیده بنظر می رسد برنده جایزه پولیتزر Pulitzer خواهد شد. گرچه با نسل کشی ارمنی ها آغاز می شود تا با نسل کشی آلبانی هائی که در کوزوو و قربانی شدند خاتمه یابد، موضوع بطور کلی روی محور اصلی نسل کشی یهودی های اروپا توسط آلمان نازی و نظریه حقوقی رافائل لمکینز Raphaël Lemkins مورد بررسی قرار گرفته است. لمکینز در دوران بین دو جنگ جهانی در ورشو دادستان بود. به عنوان کارشناس در جامعه ملت ها، جنایاتی که توسط امپراتوری عثمانی علیه مسیحی ها (1894-1915) صورت گرفته بود را افشا کرد — از جمله علیه ارمنی ها — سپس توسط عراق علیه آشوری ها (1933). طی جنگ دوم جهانی، از تهاجم نازی ها علیه یهودی ها جان سالم به در برد و به ایالات متحده مهاجرت کرد و در آنجا به مقام مشاور وزارت جنگ نائل آمد. تمام خانواده او که بر

جا مانده بودند کشته شدند. به تدریج، او اصطلاح «ژنوسید» (نسل کشی) را برای تعریف سیاستی که هدفش نابود کردن یک گروه خاص قومی هست را رایج ساخت. سرانجام او به عنوان مشاور دادستان ایالات متحده در دادگاه نورمبرگ برگزیده شد و طی آن چندین نفر از رهبران نازی را به جرم «ژنوسید» محکوم کرد.

از دیدگاه سامانتا پاور، رافائل لمکینز راهی را باز کرد که ایالات متحده باید در پیش بگیرد. تنها سناتور ویلیام پراکسمیر William Proxmire (خوبشاوند راکفلر) تا کسب تأیید سنا در سال 1986 برای منشور پیشگیری و مبارزه علیه نسل کشی به تلاش هایش ادامه داد. به عنوان تنها ابر قدرت جهان، ایالات متحده از این پس وظیفه دارد در جایی که «حقوق بشر» ضروری می سازد مداخله کند.

با این وجود، هیچگاه خانم پروفیسور سامانتا پاور در مورد مسئولیت ایالات متحده در کشتارهای معاصر، چه به شکل مستقیم (کره، ویتنام، کامبوج در سال 1969 تا 1975، عراق در سال 1991 تا 2003) و یا به شکل غیر مستقیم (اندونزی، پاپوا، تیمور شرقی، گوآتمالا، اسرائیل و آفریقای جنوبی) چیزی نمی گوید. «مسئولیت حفاظتی» بهانه تئوریک موجه را به شکل مابعدی در اختیار می گذارد، «جنگ بشردوستانه» در کوزوو از این نوع بود.

یعنی موضوعی که پروفیسور ادوارد هرمن Edward Herman به این شکل خلاصه کرده است: «از دیدگاه او، ایالات متحده مسئله نیست، راه حل است».

«مسئولیت حفاظتی» به «وظیفه ای اخلاقی» تبدیل شد که از این پس واکنش را مجاز می دانست که در هر کشوری که در آن نسل کشی صورت بگیرد و یا به چنین طرحی متهم گردد مداخله کند و برای راه اندازی جنگ دیگر ضرورتی نداشت که کشور هدف گیری شده دچار چنین وضعی باشد، تنها یک بهانه کافی خواهد بود.

در سال 2012 سامانتا پاور با سریال ویدئویی دانشگاه برکلی تحت عنوان گفتگو با تاریخ *Conversations with History* مصاحبه ای دارد، از او می پرسند، از دیدگاه شما در صورتی که جنگی بین اسرائیل و فلسطین بالا بگیرد و در عین حال نسل کشی را نیز ممکن سازد، واکنش مطلوب ایالات متحده چه باید باشد، او به عنوان پاسخ، توصیه می کند که باید نیروئی سنگین برای جدا سازی دو طرف منازعه گسیل کنند. این پاسخ به دلیل جانبداری نکردن از اسرائیل دست آویزی شد تا او را به ضد سامی متهم کنند. در ادامه این جریان، او مجبور شد از تعدادی از شخصیت های یهودی آمریکائی درخواست کمک کند، افرادی مانند آبراهام فوکسمن Abraham Foxman از اتحادیه ضد افتراء Anti-Defamation League تا او را از این وضعیت دشوار نجات دهند و چهره خدشه دار شده او ترمیم گردد.

از این پس، سامانتا پاور خود را در دولت می بیند. بطور مختصر وارد گروه اردوی انتخاباتی ژنرال ولسلی کلارک Wesley Clark شد. البته فرمانده ارشد ناتو در کوزوو برای کسب قدرت حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری در حال توطئه چینی بود.

در سال 2006 – 2005 او توسط سناتورهای که ناگهان از سنا سر در آورده بود یعنی بارک اوباما دعوت شد. این جوان حقوقدان از نورچشمی های مشاور امنیت ملی زیباییگرایی برژینسکی و در عین حال از پشتیبانی دیوید راکفلر نیز برخوردار بود. سامانتا پاور از طرح تبدیل این مرد جوان سیاه پوست به رئیس جمهور آینده ایالات متحده آمریکا مطلع شد و از پست هایش در هاروارد کناره گیری کرد و به هدف کسب مقام وزیر امور خارجه در دولت آینده به گروه او پیوست.

در سال 2006، اوباما سفر پارلمانی عجیبی را به آفریقا تدارک می دید، در واقع مأموریت سازمان سیا برای زمینه سازی تغییر رژیم در کنیا بود، یعنی کشور نیاکان خود او [4]. سامانتا پاور مسئول آماده سازی جا به جایی ها شد و به ویژه مرحله ای که مربوط بود به اردوگاه های پناهندگان در دارفور.

او به شکل گسترده در نگارش شهادت امیدوار بودن شرکت کرد : بینش نوین سیاسی آمریکائی —

بارک اوباما را به مردم آمریکا معرفی کرد و راه کاخ سفید را برای او هموار ساخت. (The Audacity of Hope : Thoughts on Reclaiming the American Dream)، کتابی که

از این پس چهره اجتناب ناپذیر روشنفکر امپریالیست، سامانتا پاور چهره سر جیو و بیبرا دوملو Sérgio Vieira de Mello برزیلی را تداعی می کند. یعنی دیپلماتی که پیش از آن که در عراق به سال 2003 به قتل برسد، مقام کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد را به عهده داشت در حالی که امیدوار بود در آینده به مقام دبیر کل سازمان ملل متحد ارتقاء یابد. سامانتا پاور در سال 2008 زندگی نامه پر شوری را به او اختصاص می دهد : پاسداری از آتش : سر جیو و بیبرا دوملو و مبارزه برای نجات جهان. او فرصت طلبان دیگری را تحت تأثیر قرار داده، از جمله برنارد کوشنر فرانسوی که به عنوان نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در کوزوو (2001 – 1999) جانشین سر جیو و بیبرا دوملو شد و سپس با میانجیگری واشنگتن به عنوان وزیر امور خارجه در دولت نیکلا سرکوزی (2007-2010) برگزیده شد.

سامانتا پاور در بطن سازمان های مداخله طلب فعالیت می کند، به ویژه گروه بحران بین المللی International Crisis Group متعلق به میلیارد مجارستانی جرج سوروس George Soros و Genocide Intervention Network که به United to End Genocide تبدیل شده است.



سامانتا پاور و کاس سانشتاین

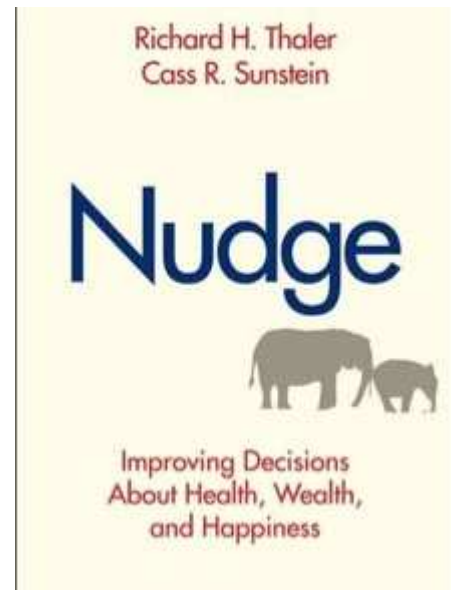
در تماس با بارک اوباما، او با یکی از دوستانش ملاقات می کند، پروفیسور کاس سانشتاین که مثل او در 21 سپتامبر به دنیا آمده ولی شانزده سال از او مسن تر است. او مدت مدیدی در شیکاگو تدریس کرده، و در آنجا با سیاستمدار جوان آشنا می شود، بعد به هاروارد می رود و دفتر کارش نیز تنها یک خیابان با دفتر سامانتا فاصله دارد. هر دو در کام بلند پروازی و آماده برای هر کاری که بتواند آنها را به شهرت برساند. در ژوئیه 2008، در ایرلند ازدواج می کنند، سامانتا کاتولیک است و کاس یهودی کابالیست. در مجموع زوجی را تشکیل می دهند که روزنامه نگار پوپولیسست گلن بک Glenn Beck آنها را «خطرناک ترین زوج آمریکا» نامیده است.

کاس سانشتاین نویسنده پر حرف هر سال چندین کتاب می نویسد و با چند تریبون آزاد در روزنامه های بزرگ، درباره هر مسئله ای نظریه ای دارد، از مالیات تا حقوق حیوانات. او از اهالی دانشگاه است و دورادور بیش از همه در نشریات ایالات متحده از او نقل قول آورده شده است [5].

و به همین علت، سانشتاین به شکل دائمی برای دفاع از قدرت دولت علیه آنهایی که مدعی حقوقشان هستند و یا فرخواست حقوقی دارند نوشته است، چه برای پشتیبانی از هیئت های نظامی جرج بوش در گوانتانامو و چه برای مبارزه علیه نخستین قانون اصلاحی (آزادی بیان).

به عبارت دیگر، در حالی که سامانتا پاور از «حقوق بشر» تجلیل به عمل می آورد و به مرجع فکری در این زمینه تبدیل شده، شوهرش کاس سانشتاین با قدرت تمام علیه آن مخالفت می ورزد و به عنوان مرجع حقوقی در این زمینه شهرت یافته است. آنها می توانند از هر چیزی دفاع کرده و با همان شور و حرکت آن را مردود سازند، تنها به این شرط که برایشان استفاده داشته باشد.

سانشتاین همراه با اقتصاددان رفتارگرا ریچارد تالر



Richard Thaler کتاب : «کمک رسانی : چگونه تصمیم های مرتبط به امور بهداشتی، مالی و خوشبختی را بهبود بخشیم» را منتشر کردند :

(Nudge : Improving Decisions about Health, Wealth, and Happiness)

نویسندگان آن دسته از تأثیرات اجتماعی را بررسی می کنند که مصرف کنندگان را به انتخاب های بد تشویق می کند. بر این اساس، آنها نظریه ای را مطرح می سازند که با تکیه بر همان تأثیرات اجتماعی می توان مصرف کنندگان را به «انتخاب های خوب» واداشت. و این همانی است که آنها «پدرخواندگی لیبرال» می نامند، یعنی یک ناسازه گوئی که رسماً روش تحریف افکار عمومی را تشویق می کند.

در سپتامبر 2015 رئیس جمهور اوباما «پدرخواندگی لیبرال» را به سیاست نوینش تبدیل کرد و ابزارهایی در اختیار دولت قرار داد تا این نوع «کمک رسانی ها» را افزایش دهند [6].

طی اردوی انتخاباتی 2007-2008، سانشتاین به همراهی آدریان ورمول Adrian Vermeule پرونده ای را برای دانشگاه های شیکاگو و هاروارد به رشته تحریر در آوردند که به عنوان نظریه ای معتبر برای مبارزه علیه «نظریه توطئه» در دستور روز دولت اوباما ثبت شود، یعنی ضد اعتراضاتی که علیه صرف و نحو رسمی جریان داشت، و متعاقباً الهام بخش رئیس جمهور فرانسوا هولاند و بنیاد ژان ژورس شد [7]. به نام دفاع از « آزادی » در مقابله با افراط گرایی، در نتیجه نویسندگان برنامه ای برای تخریب و نابود سازی این مخالفان عرضه کردند :

«به سادگی می توانیم به تعدادی پاسخ ممکن بیاندیشیم :

1- دولت می تواند نظریات توطئه باور را ممنوع اعلام کند.

2- دولت می تواند برای آنهایی که چنین نظریاتی را منتشر می سازند مالیات و جریمه تعیین کند.

3- دولت می تواند ضد گفتاری برای بی اعتبار سازی نظریات توطئه باور راه اندازی کند.

4- دولت می تواند بخش خصوصی معتبری را برای ضد گفتار بسیج کند.

5- دولت می تواند در ارتباطات غیر رسمی افرادی را به خدمت بگیرد و مشوق آنها باشد» [8].

این است آن دیکتاتوری که در دستکش مخملی قالب کرده اند و امروز به راه افتاده.

کاس سانشتاین توسط رئیس جمهور در رأس OIRA گماشته شده که دفتری رسمی در کاخ سفید است که به تسهیل امور تشریفات اداری می پردازد. ولی او در سال اول به کار دیگری می پردازد: یعنی به جستجوی دلیل و برهان های اقتصادی می پردازد تا ضرورت منع انتشار کربن در آتمسفر را توجیه کند.

خبری خوب برای رئیس جمهور اباما که، وقتی که او برای ال گور Al Gore معاون رئیس جمهور و شریک مالی او دیوید بلود David Blood کار می کرد، وضعیت تغییرات آب و هوایی در رابطه با وضعیت شرکت ها با مسئولیت محدود را نوشت و به همین گونه تغییرات بورس در رابطه با حق انتشار کربن در شیکاگو، یعنی دلیل برهان هائی که بعداً فرانسوا هولاند و وزیر امور خارجه او لوران فبیوس از آن برای آماده کردن Cop 21 (کنفرانس درباره تغییرات آب و هوایی) استفاده کردند و بر این اساس دوستانشان را به ثروت رساندند [9].

#### سامانتا پاور، از دانشگاه آلامد تا زن قدرتمند

به اردوی انتخاباتی بازگردیم. در مصاحبه ای با اسکاتزمن Scotsman (روزنامه اسکاتلندی)، سامانتا پاور هیلاری کلینتون رقیب اباما را به هیولائی تشبیه کرد که می تواند برای بدست گرفتن قدرت هر کسی را با دروغ پردازی هایش آلوده سازد (اشاره به بحث و جدل انتخاباتی درباره قرار داد بازرگانی آزاد آمریکای شمالی است North American Free Trade Agreement). رویدادی موجب می شود که او استعفا بدهد. سپس راهنمای او ریچارد هولبروک (که نسل کشی تیمور شرقی را در پوشش خود داشت) به عنوان میانجی به خدمت گرفته شد تا اختلاف پیش آمده بین این دو زن را حل کند.

طی دوران انتقال ریاست جمهوری، او با مشاور امنیت ملی آینده توماس دانیلون Thomas Donilon و وندی شرمن Wendy Sherman روی جانشینی وزارت امور خارجه کار می کرد. ولی سرانجام، هیلاری کلینتون 64 ساله، بانوی اول سابق و سناتور قدیمی است که به مقام وزیر امور خارجه برای رئیس جمهور اباما نائل می آید و نه خانم سامانتا پاور - سانشتاین جوان.

سامانتا پاور به عنوان معاون ویژه ریاست جمهوری و مدیر دفتر امور چند جانبه و حقوق بشر در کاخ سفید برگزیده می شود، و به سهم خود دیوید پریسمن David Pressman معاون سابق مادلن آلبرایت Madeleine Albright را در شورای امنیت ملی به عنوان مدیر امور جنایات جنگی و خشونت



انتخاب می کند. او با جان پراندرگیست John Prendergast سازمانی برای گسترش توده ای نظریه ارتکاب به نسل کشی در دارفور ایجاد می کنند، Not on Our Watch (نه در سازمان دیدبان ما) و در این سازمان بازیگران مشهور هالیوودی مانند جرج کلونی George Clooney یا مت دیمنون Matt Damon را نیز بسیج کرده بودند.

در پی همین حرکت، سامانتا پاور برای ایجاد شورای پیشگیری از جنایات، سرانجام به کسب توافق رئیس جمهور او باما نائل می آید. این شورا شامل چندین آژانس ایالات متحده می شد [10].

شگفت آور این است که این سازمان هرگز گزارشی منتشر نکرد و تنها به یک گردهمایی در کنگره بسنده کرد. تنها می دانیم که در آنجا عملیات موفقیت آمیز کنیا را تبریک گفته اند، یعنی موضوعی که با سفر سازماندهی شده سناتور او باما توسط سیا و سامانتا پاور به آفریقا تلاقی پیدا می کند، یعنی با طرح تغییر رژیم که خیلی به دور از اجتناب از نسل کشی، به بهای کشتار قبایلی انجامید که با زیرکی تمام تحریکشان کرده بودند. سرانجام، بنظر می رسد که وقتی داعش پاکسازی قومی در بخش سنی عراق را آغاز کرد، این شورا نیز سر به نیست شد [11].

در اکتبر 2009، سامانتا پاور مسائل اساسی سخنرانی او باما برای دریافت جایزه صلح نوبل را نوشت. در این نوشته او به بررسی نظریه اخلاق در اشکال تغییر پذیر بر پایه وضعیت های متنوع می پردازد: یک رئیس جمهور باید از قدرت استفاده کند و متأسفانه نمی تواند مثل ماهاتما گاندی یا مارتین لوتر کینگ عمل کند.

در شورای امنیت ملی است که سامانتا پاور با «سفر سابق ایالات متحده» در لبنان، جفری فیلتمن Jeffrey Feltman معاون هیلاری کلینتون آشنا می شود که در آن دوران در حال آماده سازی «بهار عرب» بود. طرح بر این اساس بود که رژیم های لائیک عرب (تونس، مصر، لیبی، سوریه و الجزائر) را سرنگون کنند — چه با ایالات متحده هم پیمان باشند یا نباشند — و اخوان المسلمین را بجای آنها به قدرت برسانند.

وقتی معمر قذافی اعلام کرد که کشورش توسط القاعده مورد حمله قرار گرفته، ارتش لیبی را به سوی بنغازی فرستاد تا پایگاه های نظامی اشغال شده توسط تروریست ها را باز پس بگیرد، و رسماً اخطار کرد که اگر تسلیم نشوند «رود خون جاری خواهد ساخت»، و سامانتا پاور نیز پاسخی برای این اخطار اعلام شده آماده داشت. و از سوی دیگر آژانس های خبری غرب درگیری های لیبی را بگونه ای در اذهان عمومی منعکس کردند که گوئی در لیبی مردم انقلاب کرده اند و قذافی نیز مردم خودش را به کشتار جمعی تهدید کرده است.

در نتیجه، ایالات متحده باید از نسل کشی که در شرف وقوع است جلوگیری کند. با شتاب، جنگ علیه لیبی که از سال 2001 طرح ریزی شده بود به اجرا گذاشته شد. عملیات به بهای جان 160000 نفر و آواره شدن بیش از 4 میلیون نفر از مردم لیبی تمام شد.



**سامانتا پاور نماینده دائمی ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل متحد، با معاونت کل و رئیس امور سیاسی و سازمانی جفری فیلتمن.**

**سفیر در سازمان ملل متحد و رهبر شاهین های لیبرال**

بارک اوباما در دور دوم ریاست جمهوری اش بر آن شد تا جنگ طلبانی که پشت سر او توطئه می کردند را از جلوی دست و پایش بردارد. رئیس سازمان سیا ژنرال دیوید پترائوس David Petraeus را با دستبند به میچ هایش بازداشت کرد، و هیلاری کلینتون را نیز برکنار نمود. وزارت امور خارجه که سامانتا این همه خوابش را دیده بود، با وضعیت جدید دوباره برای او ممکن شده بود ولی رئیس جمهور اوباما برای این پست جان کری 70 ساله را انتخاب کرد، طی 28 سال سناتور و نامزد قدیمی ریاست جمهوری ایالات متحده، با این وجود سامانتا پاور به عنوان سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد برگزیده شد.

پاور تا اینجا خود را فرمانبردار نشان داد، با پشتیبانی از «بهار عرب»، ولی توافق با روسیه را در کنفرانس ژنو پذیرفت. در سازمان ملل متحد جفری فیلتمن معاون سابق هیلاری کلینتون را بازیافت که ریاست امور خارجه سازمان را به عهده دارد، یعنی کارفرمای واقعی سازمان ملل متحد. از تاریخ انتخابش در ژوئن 2012 فیلتمن مخفیانه بیانیۀ ژنو را تخریب می کند [12]. مرد زیرک و کاردانی است و طولی نخواهد کشید که سفیر بلند پروازی مثل سامانتا پاور را دور از چشم جان کری وزیر امور خارجه جدید به جبهۀ خودش بکشاند.

درک این طرح ساده است: پاور باید با روس ها و ایرانی ها وقت بدست بیاورد، در حالی که فیلتمن عربستان سعودی و ترکیه را برای تسلیم بی قید و شرط جمهوری عرب سوریه می فریبد، و ژنرال های امریکائی پترائوس و آلن جنگ سرّی را برای سرنگونی بشار اسد سازماندهی می کنند. اگر همه چیز مرتب پیش برود، ایالات متحده پیروز خواهد شد، روسیه از خاورمیانه بیرون رانده می شود، ایران در محاصره قرار می گیرد و رئیس جمهور اوباما نیز در مقابل عمل انجام شده قرار خواهد گرفت.

در واقع، سامانتا پاور دست به هر کاری خواهد زد تا راه حل سیاسی برای سوریه را به شکست بکشانند.

در مورد مسئله سوریه، سامانتا پاور به زودی با Syrian Emergency Task Force کار خواهد کرد که خود را به عنوان یک گروه از سوری های انقلابی معرفی کرده اند و می بایستی حساسیت رهبران آمریکا را تشویق کنند. این گروه در واقع توسط معز مصطفی مدیریت می شود که یک فلسطینی عضو اخوان المسلمین، معاون پارلمانی سابق جان مک کین و روزنامه نگار سابق الجزیره بوده است و برای مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک (اتاق فکری AIPAC) کار می کند و برای اهداف مختلفی در چهار چوب «بهار عرب» شرکت دارد. معز مصطفی برای استقرار محمد مرسی TV Sawatel را در مصر مدیریت می کرد، سپس مدیریت Libyan Council of North America را به عهده داشت. او بود که سفر مک کین به سوریه و ملاقات با خلیفه آینده داعش را در ماه مه 2013 سازماندهی کرد [13].

وقتی رسانه های غربی از کشتار شهروندان در غوطه در حومه دمشق با سلاح شیمیایی افکار عمومی را مطلع ساختند و آن را به عنوان حرکتی از سوی «رژیم بشار» علیه «مخالفان دموکراتیک» تلقی کردند، سرانجام سامانتا پاور فرصتی یافت تا به دفاع از مردم بیچاره برخیزد. در گردهمایی در Center for American Progress (اتاق فکری برای ترقی خواهان)، او «بمباران محدود برای پیشگیری و جلوگیری از استفاده سلاح شیمیایی احتمالی در آینده» را پیشنهاد کرد. ولی خبردار شد که در واقع این عملیات زیر پرچم دروغین صورت گرفته و کار سرویس های مخفی ترکیه بوده تا ناتو را وادار به مداخله نظامی کنند، از سوی کاخ سفید دستور گرفت که دست به هیچ کاری نزنند. در منگنه بین گفتارهای بشردوستانه، تعهداتش به فیلتمن و وفاداری اش به رئیس جمهور، با شوهرش برای شرکت در یک جشنواره سینمایی به ایرلند رفت، در این مدت شورای امنیت بدون او به فعالیت هایش ادامه داد [14].

گفتار زیبایی حقوق بشریست سامانتا پاور برگ مهمی در حمله داعش به عراق است، و به ایالات متحده اجازه داد تا نخست وزیر برگزیده نوری مالکی را وادار به استعفا کند بی آنکه نقض ممنوعیت روی خرید سلاح های ایرانی و یا فروش نفت به چین با قطع نظر از دلار را مطرح کند. در عین حال ایجاد اتحادیه بین المللی ضد داعش را توجیه می کند که البته با راهکار فیلتمن در سازمان ملل متحد و پترائوس در کوهلبرگ کراویس رابرتس (KKR) بجای بمباران سازمان جهاد طلب، طی یک سال برای آنها با چتر سلاح و مهمات پیاده کردند.

با این وجود، با مداخله نظامی روسیه در سوریه، سامانتا پاور مجبور است کارت هایش را رو کند. طی گردهمایی شورای امنیت ملی او از طرح مداخله ایالات متحده دفاع کرد و با رابرت میلی Robert Malley مسئول خاور نزدیک در شورا در وضعیت تضاد آمیزی قرار گرفت. رابرت میلی پسر یک روزنامه نگار فرانسوی زبان و بنیانگذار آفریقا- آسیا Afrique-Asie سیمون میلی Simon Malley و باربارا میلی Barbara Malley یکی از همکاران جبهه آزادیبخش الجزایر است. او مخالف امپریالیسم ایالات متحده ولی موافق رهبری ایالات متحده در رابطه با دولت های در حال رشد است. او در گفتگو با ایران نقش مهمی بازی کرد. رابرت میلی رابط رئیس جمهور بشار اسد بود و چندین بار با یکدیگر ملاقات داشته اند و او را بخوبی می شناسد. در نتیجه ممکن نیست که داستان

مستبدی که مردم خودش را به قتل می رساند را به او تزریق کنند. رابرت میلی تأکید کرده است که جمهوری عرب سوریه به پشتیبانی روسیه پیروز شده و وقت آن فرا رسیده است که صلح کنیم. پاور به شکلی جلوه می دهد که پذیرفته، ولی سازمان سیا از هم اکنون جنگ دیگری را شروع کرده و این بار برای ایجاد کردستان در شمال سوریه با جمعیتی که 70% آن کرد نیستند.

مثل شوهرش «پدرخوانده لیبرال» کاس سانشتاین، سامانتا پاور با یک اصطلاح ناسازه گو خود را تعریف می کند : او بی آن که بخندد خود را «ایدالیست ماکیاولی» معرفی می کند.

**به یاد داشته باشیم :**

1- خانم استاد سامانتا پاور و کاس سانشتاین زوج بلند پروازی را تشکیل می دهند که هر یک گفتاری را مطرح می کند که کاملاً با گفتار دیگری در قطب مخالف واقع شده است. ولی هر دو برای دفاع از «امپراتوری آمریکا» علیه شهروندان و ملت ها متحد هستند.

2- برای سامانتا پاور، به نام «حقوق بشر» است که هر کاری برای ایالات متحده مجاز می گردد. ولی برای کاس سانشتاین به نام «آزادی» است که دولت می تواند به هر کاری دست بزند. مهم این است که گفتار به واقعیت نقاب بزند.

3- خانم سفیر سامانتا پاور امروز از گروه کلینتون- فیلتن- پترائوس – آلن برای مبارزه علیه روسیه، ایران و سوریه پشتیبانی می کند. ولی کاس سانشتاین درباره دیکتاتور ملایم نظریه پردازی می کند. او رئیس جمهور او باما را متقاعد ساخته است که باید افکار عمومی را با ایجاد سانسور یا با بی اعتبار سازی مخالفان تحریف کرد، و باید رفتار آنها را به گونه ای هدایت کرد که روی محیط اجتماعی آنها تأثیر بگذارد.

[تی پیری میسان](#)

ترجمه توسط

[حمید محوی](#)

[1] This country is the greatest country on earth. I would never apologize for “America”!

[2] Abe de Vries, Trouw, ,”[U.S. Army 'Psyops' Specialists worked for CNN](#)“ .February 21, 2000. English Version : Emperor’s Clothes

[3] Jürgen Elsässer, Np Buchverlag, 2005 ,*Wie der Dschihad nach Europa kam*

[4] « [L’expérience politique africaine de Barack Obama](#) », par Thierry Meyssan ,mars 2013 9 ,Réseau Voltaire

Brian ,”[Top Ten Law Faculty \(by area\) in Scholarly Impact, 2009-2013](#)“ [5]  
Leiter, June 11, 2014

[Executive Order — Using Behavioral Science Insights to Better Serve the](#) “ [6]  
September 2015 15 ,*Voltaire Network* ,by Barack Obama ,”[American People](#)

[7] “دولت علیه جمهوری” بوسیله نتی یری میسان, ترجمه حمید محوی, شبکه ولتر, 9 مارس  
2015 ,[...www.voltairenet.org/article1](#)

Adrian Vermeule, Harvard & Cass R. Sunstein ,« [Conspiracy Theories](#) » [8]  
Law School, January 15, 2008

*Odnako* ,par Thierry Meyssan ,« [L’écologie financière : 2010-1997](#) » [9]  
avril 2010 26 ,*Réseau Voltaire* ,(Russie)

*Voltaire* ,”[Presidential Study Directive on Mass Atrocities/PSD-10](#)“ [10]  
August 2011 4 ,*Network*

Amelia M. ,”[Why Is Obama Suppressing the Atrocities Prevention Board](#)“ [11]  
August 27, 2014 ,*The National Interest* ,Wolf

[12] “دو خار در پای اوپاما” بوسیله نتی یری میسان, ترجمه حمید محوی, شبکه ولتر, 31 اوت  
2015 ,[...www.voltairenet.org/article1](#)

[13] “جان مک کین رهبر ارکستر «بهار عرب» و خلیفه” بوسیله نتی یری میسان, ترجمه حمید  
محوی, شبکه ولتر, 18 اوت 2014 ,[...www.voltairenet.org/article1](#)

[Grenell: Samantha Power Could Have Sought to Postpone Security](#) “ [14]  
[UN](#) “ .August 23, 2013 ,*NewsMax* ,Paul Scicchitano ,”[Council Meeting](#)  
[Ambassador Samantha Power missed crucial meeting on Syria because she was](#)  
[on holiday in Ireland where her husband was guest speaker at comedy film](#)  
[Chaplin festival](#) “ .August 25, 2013 ,*Daily Mail* ,Meghan Keneally ,”[festival](#)  
August 26, 2013 , *Irish Independent* ,”[finds itself centre stage in UN row](#)